



A comparative Study of Common Themes in the Subject of Martyrdom and Martyrdom in Contemporary Persian and Arabic Poems of Stability

Zahra Alavi¹, Ali Eshghi Sardehi^{2*}, Abulqasem Amir Ahmadi³

Abstract

Sustainability literature has wide and varied themes, one of the most significant of which is martyrdom. Martyr and martyrdom is a category that is mentioned in most of the holy battles, and many poets speak of the arena of resistance against them. In the religion of Islam, this issue is also given great importance, and Islam does not consider those who sacrifice and lose their lives alive in the way of God. Rather, they are the living who rest in the presence of their God. Commemorating and honoring the martyrs of the country who sacrificed their lives to protect the country and religion is also one of the themes of the poetry of Bisandari.

This research aims at a comparative study of the concept of martyr and martyrdom in the poems of Iranian and Arab poets. The results of the research show that Iranian and Arab contemporary revolutionary poets have greatly benefited from this concept in their poems, and their poems contain themes related to the martyr and martyrdom, including: praising the status of a martyr, avenging the blood of a martyr, writing a eulogy for him. and the use of symbols.

Keywords: Literature of Resistance, Martyr, Martyrdom, Iranian and Arab Poets

How to Cite: Alavi Z, Eshghi Sardehi A, Amir Ahmadi A., A comparative Study of Common Themes in the Subject of Martyrdom and Martyrdom in Contemporary Persian and Arabic Poems of Stability, Journal of Comparative Literature Studies, 2023;17(67):470-487.

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran

3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran



بررسی تطبیقی مضامین مشترک در موضوع شهید و شهادت در اشعار پایداری معاصر فارسی و عربی

زهرا علوی^۱، علی عشقی سردهی^{۲*}، ابوالقاسم امیر احمدی^۳

چکیده

یکی از شاخص‌ترین مضامین ادبیات پایداری، شهید و شهادت است. شهید و شهادت موضوعی است که در اغلب نبردهای مقدس از آن یاد می‌شود و روی سخن بسیاری از شاعران عرصه مقاومت با آنان است. در دین اسلام نیز به این مسئله اهمیت والایی داده شده و اسلام کسانی را که در راه خدا جان‌فشانی می‌کنند و جان خود را از دست می‌دهند زنده نمی‌پندارد. بلکه زندگانی هستند که در نزد خدای خود آرمیده‌اند. بزرگداشت و تکریم شهیدان میهن که جان خویش را در راه دفاع از وطن و دین اهداء کردند، نیز از مضامین دیگر شعر پایداری است. این پژوهش درصدد بررسی تطبیقی مفهوم شهید و شهادت در اشعار شاعران ایران و عرب است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاعران معاصر انقلابی ایران و عرب، در اشعار خویش از این مفهوم، بسیار بهره برده‌اند و در اشعار ایشان مضامینی مربوط به شهید و شهادت شامل: ستایش مقام شهید، انتقام خون شهید، مرثیه‌سرایی برای او و به‌کارگیری نماد، است.

واژگان کلیدی: ادبیات مقاومت، شهید، شهادت، شعر معاصر فارسی و عربی

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

مقدمه و بیان مسئله

اغلب کشورها در برهه‌ای از زمان، جنگ و آسیب‌های آن را در سرزمینشان تجربه کرده‌اند و در آن هنگامه تمامی اقشار جامعه برای حفظ و حراست از وطنشان به مقاومت و پایداری برخاسته‌اند. بدیهی است ادبیات هم در این زمینه همگام و همسو با تحولات جامعه حرکت نموده است. هنگامی که از ادبیات پایداری و مقاومت سخن به میان آورده می‌شود در این زمینه آثار ارزشمندی وجود دارد که به شکل شعر، داستان، نمایش‌نامه و... با محتوای ادب پایداری به چشم می‌خورد. درواقع شاعران افرادی هستند که در بین مردم زندگی می‌کنند و از نزدیک درد و رنج آنان را با تمام وجود حس می‌کنند در غم و شادی آنان سهیم هستند؛ بنابراین شعر در این دوران یکی از هسته‌های اصلی ادبیات مقاومت را تشکیل می‌دهد؛ درواقع این آثار برگرفته از ضمیر بیدار و آگاه شاعران است که با سروده‌ها و نوشته‌هایشان سعی می‌کنند مانند سایر هم‌وطنانشان در عرصه‌ی مبارزه و نبرد علیه متجاوزان و بیگانگان گام بردارند تا به این شیوه بتوانند نقش خود را در حفظ و حراست کشور خویش و ارزش‌های آن ایفا کنند.

بیان مسئله

بی‌شک یکی از جلوه‌های حماسی از ادبیات و شعر؛ ادبیات مقاومت و پایداری است. ادبیات پایداری، برآمده از جوهر و ذات فرهنگی شیعه است و در دین اسلام امام حسین(ع) نماد مقاومت و پایداری است. فرهنگ مقاومت عاشورایی بر انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های آزادی‌بخش و گروه‌های ظلم‌ستیز جهان از جمله فلسطین و لبنان تأثیر شگرفی داشته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس ایران تجربه ارزشمند ملی است که هشت سال باایمان و عشق و ولایت‌پذیری ایستادگی نمود. این حماسه شکوهمند هشت سال دفاع مقدس و مقاومت در قلمرو شعر شاعران تجلی و نمودی ارزشمند یافته است. از سوی دیگر اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی، روح شهادت، مقاومت و پایداری را در میان مردم عرب تقویت نمود که این روح و فضای برجسته، در شعر شعرای عرب بازتاب داشته است، بنابراین دفاع در برابر قدرت‌های متحد بیگانه از مهم‌ترین تحولات اجتماعی است که توانسته است شاعران ایران و عرب را با افق‌های تازه‌ای از معانی و مفاهیم آشنا سازد. یکی از مفاهیم و تصاویری که در شعر پایداری به اشکال مختلف نمایان شده است موضوع شهید و شهادت است.

شهادت تنها از خودگذشتگی و فداکاری نیست، بلکه عبارت است از خودگذشتگی و فداکاری توأم با بیدار کردن و زنده نمودن تمام افراد انسان‌ها از حالت خفتگی و بی‌توجهی، لذا شهید به واسطه‌ی شهادتش خون در رگ و پیوند افراد مرده و خفته‌ی اجتماع تزریق می‌کند و آن‌ها را

زنده و بیدار می‌سازد. (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۸) وقتی کسی شهید می‌شود، مانند روحی جاوید است که در هزاران جسم و جان دیگر دمیده می‌شود. درست مانند شمع روشنی که با تماس کوچکی با شعله‌اش می‌تواند هزاران شمع خاموش را روشن نماید. (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۹)

آنچه اصالت دارد و محقق‌کننده‌ی حقیقت مقام شهادت می‌باشد همانا انگیزه و ثبت و غایت آن و وجه آگاهانه و اختیاری‌اش می‌باشد «در اسلام آنچه منجر به شهادت یعنی مرگ آگاهانه در راه هدف مقدّس می‌گردد به صورت یک اصل درآمده و نام آن جهاد است» (مطهری، ۱۳۷۶: ۷۳)

سخن از شهید و شهادت نیز شاخه‌ی اصلی ادبیات جنگ و دفاع مقدّس می‌باشد که ادبیات جنگ در همه جا بدان پرداخته است. و در قرآن نیز بارها شهید و شهادت‌طلبی مورد تکریم قرار گرفته است. از جمله اینکه خداوند در آیه‌ی ۱۶۹ سوره آل‌عمران در مورد شهید و رزق و روزی‌اش نزد خداوند و جاودانگی‌اش چنین می‌فرماید: «و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون» (هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند). دعایی در خطبه ۲۳ نهج‌البلاغه از زبان امام علی علیه السلام اشاره به رتبه‌ی بالای شهیدان دارد: «نسال الله منازل الشهداء، و معایشه السعداء، و مرافقه الانبياء» از خداوند درجات شهیدان، زندگی با سعادتمندان و هم‌نشینی با پیامبران را درخواست می‌کنیم. (دشتی، ۱۳۸۶: ۵۴)

تجلیل از شهیدان به عنوان کسانی که در راه عقیده‌ی خویش به جهاد اقدام نموده‌اند و در این راه به خون خویش غلتیده‌اند و تقدّس شهادت به مثابه‌ی یک فرهنگ اصیل و ماندگار در شعر فارسی و عربی سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد و اگر شعرهایی را که ذیل عنوان مرثیه قرار می‌گیرند را بررسی کنیم متوجّه خواهیم شد که بخش اعظم این میراثی به یاد کرد شهیدان اختصاص دارد. با توجه به اینکه شاعران انقلابی ایران و عرب در دوره‌ی معاصر در اشعارشان بسیار به بحث مقاومت و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند لذا در این پژوهش به بررسی تطبیقی بحث شهید و شهادت که یکی از مهم‌ترین مباحث مقاومت، به شمار می‌رود و نمود بارزی در اشعار شاعران معاصر ایران و عرب داشته، بپردازیم.

روش تحقیق

این پژوهش گزارشی از یک پژوهش بنیادین، نظری و اسنادی است که با روش توصیفی-تحلیلی کوشیده است به بررسی موضوع شهید و شهادت در اشعار معاصر ایران و عرب بپردازد. گردآوری داده‌ها در این جستار از طریق فعالیت کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

پیشینه تحقیق

با جستجو در منابع اطلاعاتی برخط مشخص شد که در خصوص مضامین ادب پایداری در اشعار شاعران ایران و عرب پژوهش‌هایی صورت گرفته است، همچنین موضوع شهادت نیز در اشعار برخی از شاعران ایران و عرب بررسی شده است، مانند نمونه‌های زیر:

ناصری و ساعی پور (۱۳۹۳) در مقاله « بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت در اشعار محمود درویش و قیصر امین پور» در بخشی از مقاله خود به موضوع شهادت نیز پرداخته‌اند.

فوزی، فروغی نیا و عربی (۱۳۹۶) در مقاله « بررسی تطبیقی مضمون شهید و شهادت در شعر احمد دحبور و سلمان هراتی» این مضمون را در اشعار دو شاعر ذکر شده بررسی کرده‌اند.

چنانکه مشاهده می‌شود تاکنون تحقیقی که به‌صورت تطبیقی به بررسی موضوع شهادت در اشعار عربی و فارسی پرداخته باشد، منتشر نشده است.

مباحث نظری

ادبیات پایداری

«اصولاً ادبیات مفهوم ذهنی است که در جستجوی بیرونی خود را، برای یافتن محسوس عینی مرتبط با آن مفهوم، خواه‌وناخواه به آثار ادبی، اعم از شعر (نظم) و نثر می‌رساند. به‌عبارتی دیگر آثار معین و متمایز ادبی چه نثر و چه شعر همان عین ادبی یا مصداق خارجی مفهوم ذهنی ادبیات‌اند. درواقع اعیان ادبی یا آثار خارجی ادبیات شامل داستان‌ها و غزل‌ها، قطعه‌ها، قصیده‌ها و رمان‌ها و... یا شعرها و نثرها می‌باشند، که سروده شدند.» (حافظی، ۱۳۷۰، ۵)

در این میان شعر یک‌زبان قدرتمند و یک رسانه مؤثر و همچنان زنده است و از این‌رو در طول تاریخ، همه‌ی سردمداران و حاکمان و پیشوایان از آن بهره برده‌اند. گاه چون شاهان و امرای طاغوت در جبهه‌ی باطل، برای منافع مادی خود از آن سوءاستفاده کرده‌اند و گاه چون پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت علیهم‌السلام، برای هدایت مردم و دعوت آنان به‌سوی حق از آن بهره برده‌اند.

از این منظر شعر پایداری به مجموعه اشعاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی؛ با زبانی هنری (ادبیانه) سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان - به نگارش تاریخ آن می‌پردازند.» (شکری، ۱۳۶۶، ۱۱-۱۰)

در این میان، آن چیز که بر نقش ادبیات و هنر در عرصه‌های اجتماعی و انسانی و خصوصاً مسئله‌ی «بیداری» و «پایداری» تأکید دارد مسئله‌ی «التزام» و «تعهد» است. نظریه «التزام» در غرب مقهور نظریات مبتنی بر «هنر محض» و «هنر برای هنر» شده است و هنوز هم در تعاریفی که برای ادب پایداری ارائه می‌شود آن را از فروع ادب متعهد ذکر می‌کنند. باین‌حال در تعریف ادبیات پایداری باوجود اجماعی که در مفهوم آن حاصل شده است اختلاف و تشّتت زیادی به چشم می‌خورد. درواقع هر یک از صاحب‌نظران بر اساس سلیقه و نوع نگاه خویش بر وجهی از وجوه این شاخه از ادبیات بیشتر تأکید می‌کند. به‌عنوان مثال دکتر صادق آئینه‌وند با تأکید بر جنبه سیاسی ادب پایداری می‌نویسد: «در باب توسعه و شمول ادب مقاومت باید گفت ادب مقاومت از نوع ادب متعهد و سیاسی است و در تعریف ادب سیاسی گفته‌اند: «شاعر و ادیب سیاسی بر مبنای تعهد و بر اساس درک رسالت و مسئولیت به تولید ادبی می‌پردازد و هیچ نظری به پاداش و تشویق‌های دنیوی ندارد» (آئینه‌وند، ۱۳۷۰: ۳۴)

شهید در لغت و قرآن و روایات

شهید از ماده‌ی شهد که در لغت بر حضور آگهی و آگاه کردن دلالت می‌کند و در قرآن و حدیث افزون بر معنای لغوی به معنای کشته راه خدا هم به‌کاررفته است و شهادت در دو معنا مصدر آن هست. «شهید از ماده‌ی «ش ه د» به معنای حاضر و ناظر، و در اصل به معنای مجاهدی است که در راه خدا کشته می‌شود. در وجه تسمیه‌ی شهید آورده‌اند که در روز قیامت به همراه پیامبر(ص) گواهی می‌دهد و او زنده است و نمرده، یعنی حاضر و ناظر است. واژه‌ی شهید هم به معنای فاعل به‌کار رفته است هم به معنای مفعول (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ماده‌ی شهد).

به کشته شده در راه خدا شهید و عملش را شهادت گویند. شهادت یعنی حضور، و شهید حاضر بی غیبت است. حضری که خداوند در سوره بقره آیه ۱۵۴ مرده‌اش نمی‌پندارد، او را زنده‌ی جاوید می‌داند، اما دیگران قادر به درک چنین حقیقتی نیستند: «لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون» (بقره، ۱۵۴)

شهید لوح منقش و زیبای هستی است. غزلی سرخ در دل حقیقت محو‌نشده‌ی تاریخ بشریت است. در قرآن حدود ده آیه به‌صورت صریح درباره‌ی کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، وجود دارد. از جمله مسائلی که در این آیات به آن اشاره است عبارت است از: حضور شهید، رزق شهید، آمرزش شهید و... .

از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که فرمودند: «ما من قطرة أحب إلى الله عزو جل من قطرة الدم فی سبیل الله: هیچ قطره‌ای در پیشگاه خداوند محبوب‌تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود نیست.» امیرالمؤمنین (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «

فوق کل ذی بر بر حتی یقتل فی سبیل الله فإذا قتل فی سبیل الله فلیس فوقه بر (حر عاملی، ج ۱۱: ص ۱۰، حدیث ۲۱): بالاتر از هر کار خیری، خیر و نیکی دیگری است تا آن که فردی در راه خدا کشته شود، و بالاتر از کشته شدن در راه خدا خیر و نیکی وجود ندارد. و همین طور فرمودند: «اشرف الموت قتل الشهادة» (مجلسی، ج ۶۷، ص ۸: حدیث ۴)

امام علی (ع): «لیس عن الموت محیص ومن لم یمت یقتل وان افضل الموت القتل والذی نفسی بیده لالف ضربةً بالسيف اهون علیّ من میتة علی فراش (نهج البلاغه، خطبه ۵۶). چاره‌ای جز مرگ نیست هر کس نمیرد کشته می‌شود بهترین مرگ کشته شدن است قسم به کسی که جانم به دست اوست هزار ضربه‌ی شمشیر بر من آسان‌تر از مرگ در بستر است.»

بحث و بررسی

مضامین مربوط به شهید و شهادت در اشعار شاعران معاصر ایران و عرب

بزرگداشت و تکریم شهید

در تعالیم دینی و قرآنی شهید از مقام معنوی بس بلندی برخوردار است. شهید به جایگاهی می‌رسد که بر حضرت حق نظر می‌افکند، بالاترین مقامی که تنها پیامبران و معصومین به آن می‌رسند. در شعر جنگ یکی از مفاهیم و تصاویری که بسیار شاخص است، سخن گفتن از مقام آسمانی شهید است. والایی و عظمت شهدا تا جایی است که عرش و آسمان طالب دیدارشان بوده است و آنان را به سوی خود می‌خواند.

تجلیل از شهیدان، به‌عنوان کسانی که در راه عقیده‌ی خویش به جهاد برخاسته و در این طریق به خون خویش غلتیده‌اند و تقدیس شهادت، به‌مثابه‌ی یک فرهنگ اصیل و ماندگار، در شعر فارسی سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد. بدین‌سان شاعران در ترویج فرهنگ شهادت و دمیدن روح ایثار و جانبازی در کالبد جوامع اهتمام می‌ورزند. (خومحمدی خیرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶۸ و ۱۶۹) سپیده کاشانی به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین شاعران انقلابی در اغلب آثار خویش به تجلیل و تکریم شهدا پرداخته و مفاهیم شهید و شهادت در شعرش از بسامد بالایی برخوردار است. شهید در نگاه سپیده کاشانی عظمتی دارد و او را مثل خون در رگ‌های خویش، عزیز دانسته که مایه‌ی غرور و سرافرازی میهن خویش می‌باشند و خود را برای فدا شدن در راه وطن آماده می‌کنند:

چه فاتحانه ز میقات عشق آمده‌ای چه سرفراز چه آزاده، ای وقار وطن

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۶۵)

در شعر علیرضا قزوه شهید بر اوج عرش جای دارد و در خلوت و همسایگی خورشید آشیانه گرفته است. او عاشقانه سیر کرده و نمی‌تواند در صحرای زمین جای بگیرد.

آغوش سحر تشنه دیدار شماست مهتاب خجل ز نور رخسار شماست
خورشید که در اوج فلک خانه‌ی اوست همسایه‌ی دیواره‌دیوار شماست

(قزوه، ۱۳۸۸: ۳۵)

حمید سبزواری با تمام وجود از مردم درخواست می‌نماید تا بر جسم و روان پاک شهیدان، درود و سلام بفرستند و سرود و ترانه شهید در تمامی مکان‌ها از صدای آنان طنین‌انداز شود:

به یاد گل کفنان، بگو درود شهید به روی تربتشان، بخوان سرود شهید
بگو به مرغ چمن، گشا به نغمه دهن کزین مقوله سخن، زمانه می‌خواهد

(سبزواری، ۱۳۶۸ ج ۲: ۹۷)

در میان شاعران عرب نیز بدوی الجبل به ستایش و تمجید مقام بسیاری از قهرمانان عرصه نبرد پرداخته و آرامگاه آنان را والاتر از این می‌داند که با آب باران سیراب شود:

سَقَى تِلْكَ الْقُبُورَ دَمِي وَ دَمْعِي وَ جَلَّ الْقَبْرُ عَنْ سُقْيَا السَّحَابِ

(بدوی الجبل، ۱۹۷۸: ۴۱۹)

(آن آرامگاه‌ها با اشک دیدگان و خون سرخ من سیراب باد؛ آن آرامگاه از سیراب شدن به‌وسیله ابرها دور باد)

در اشعار نزار قبانی، مبارزان راه آزادی و ایثارگرانی که هستی خود را به میدان نبرد آورده‌اند و در شکنجه‌گاه یا میدان مبارزه جان باختند، نماد عظمت و افتخار و الگوی فداکاری هستند.

«و يُطَلُّ الْفِدَاءُ شَمْسًا عَلَيْنَا / مَا عَسَانَا نَكُونَ لَوْلَا الْفِدَاءُ مِنْ جِرَاحِ الْمُنَاضِلِينَ وَلِدُنَا / مِنْ الْجُرْحِ تَوْلَدُ الْكِبْرِيَاءُ.» (قبانی، ۱۹۶۸، ج ۲: ۴۱۰)

(فدائی همچون خورشیدی بر ما می‌درخشد / چه بسا اگر ایثار نبود ما نیز نبودیم / ما از زخم‌های مبارزان متولد شدیم / چراکه بزرگان از زخم‌ها تولد می‌یابند.)

نازک الملائکه شهیدان را در بزرگواری و نقش هدایتگری‌شان همچون ستارگانی روشن به تصویر می‌کشد که در تاریکی شب و سحرگاه فرومی‌افتند و در راه اعتقادات خود به شهادت می‌رسند و به‌گونه‌ای کثرت شهدا را در سرزمین‌های اشغالی به تصویر می‌کشد: «یتساقط نجم علی نجم / و اهلتک الغامرات تصیر الی فحم / کل یوم تموتین فی القدس / کل صباح یقتلونک /

تنقل اخبار موتک سود الرياح/ تسقطین شهیده فی الشعاب القریبۃ و الطرقات البعیدۃ/ ترقدین
مُخَضَّبۃ بدماء العقیدۃ. (الملائکۃ، ۲۰۰۸: ۴۳۷)

(ستارگان در قدس در هرزمانی (صبح و شام)، در تاریکی بسان زغال، پشت سر هم سقوط
می‌کنند، خیر مرگ تو را باها منتشر کرده‌اند، در همه‌ی مسیرها، دور و نزدیک شهیدی افتاده،
و با خون عقیده خضاب بسته و به ما هجوم آوردند).

ابراهیم طوقان در قصیده «ثلاثاء الحمراء» مقام شهید را چنین توصیف می‌کند:

اجسادهم فی تربة الاوطان	ارواحهم فی جنۃ الرضوان
هنک لا شکوی من طغیان	هناک فیض العفو و الغفران

(طوقان، ۲۰۰۵: ۲۸۵-۲۵۴)

« انسان‌هایی که اجسادشان در خاک وطن دفن است، اما روحشان در بهشت رضوان جای
دارد، بهشت جایی که در آن گله از طغیان متجاوز نیست و سراسر عفو و مغفرت است.»

پیوند شهادت و حادثه عاشورا

ادبیات پایداری تداعی‌کننده واژگانی همچون: ایثار، آزادی، فداکاری، شهادت و... است که مبارزان
حاضرند برای دفاع از وطنشان جان خود را فدا نمایند و همواره در این مسیر، حماسه‌ی باشکوه
کربلا را با تمام نمادهایش الگوی خود قرار داده‌اند و شاعران در این میان با به تصویر کشیدن
فرهنگ عاشورا و الگو قرار دادن امام حسین(ع) ویرانش روحیه‌ی مردم مبارز را علیه ظلم و ستم
تقویت می‌کنند.

بارزترین ویژگی حادثه‌ی کربلا و عاشورا واژه‌ی «شهادت» می‌باشد. یکی از مهم‌ترین جلوه-
های فرهنگ عاشورا «الگوسازی» آن می‌باشد. عاشورا با تمامی نمادهایش، جان‌مایه و محتوای
بسیاری از آثار شاعران را در این زمینه تشکیل داده است (رک: سنگری، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

از جمله شاعران ایرانی که در مجموعه اشعارشان به ترویج فرهنگ عاشورایی و قیام امام
حسین(ع) پرداخته‌اند، می‌توان به قیصر امین‌پور، طاهره صفارزاده، سلمان هراتی، سهیل
محمودی، جواد محدثی و... اشاره کرد.

برای مثال، امین‌پور در منظومه‌ی روایی «ظهر روز دهم»، به اسطوره کربلا می‌پردازد. (امین-
پور، ۱۳۹۰: ۵۶۴ - ۵۶۵). بارزترین مشخصه‌ی جلوه‌های پایداری در اشعار شاعران معاصر ایران
استفاده نمادین از قیام پرشکوه کربلا می‌باشد که بیان این‌گونه احساسات و عواطف ریشه در
تعهدات مذهبی و دینی شاعران دارد. حماسه باشکوه کربلا به‌عنوان نماد ایمان، بصیرت، فداکاری
و جان‌فشانی در اشعار حمید سبزواری جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است:

شو جبهه نگر که کربلا را بینی تکرار قیام انبیا را بینی

(سبزوای، ۱۳۶۷ ج ۲: ۴۶۱)

بدوی الجبل شاعر شیعه‌مذهب در جای‌جای دیوانش عشق به خاندان پیامبر (ص) از ژرفای وجودش متبلور است وی در قصیده «من وحی الهزيمة» در مورد امام حسین (ع) این‌گونه سروده:

أَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ؟ قَبْرٌ غَرِيبًا مِنْ يَضُمُّ الْغَرِيبَ أَوْ مِنْ يَزُورُ

(بدوی الجبل، ۱۹۷۸: ۱۹۶)

«آرامگاه امام حسین(ع) کجاست؟ آرامگاهی غریب! چه کسی غریب را در آغوش می‌کشد و چه کسی به زیارت وی می‌شتابد».

ابراهیم طوقان شهادت ملک حسین را شبیه شهادت در دشت کربلا می‌داند و چنین می‌سراید:

كادت الكأس التي في قبرص تُشبهُ الكأس التي في كربلا

(طوقان، ۲۰۰۵: ۴۹۰)

«جام شربت شهادتی که در قبرص نوشانده شد، تقریباً شبیه همان جامی است که در کربلا نوشانیده شد»

حضور شهید

عبارت «شهید نمی‌میرد» به آیه‌ی ۱۶۹ سوره‌ی آل عمران اشاره دارد. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ». (آل عمران / ۱۶۹) «کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده میندار، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند». شاعر با استناد به آیه‌ی مذکور، افزون بر تبلور رنگ و بوی دینی در اشعارشان، به‌نوعی بر صحت گفته‌ی خویش تأکید نموده‌اند. در ابیات زیر سپیده کاشانی، کسانی که جان خود را در راه حفظ وطن و آرمان‌های انقلاب فدا می‌کنند مرده نمی‌پندارد:

شهید نمی‌میرد شهید عشق، آری آری، تو دین مصطفی را طرفه یاری

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶)

فرید طهماسبی در اشعارش از مرگ دست به دامن شهادت می‌شود زیرا شهادت را مرگ نمی‌پندارد و خواهان شهادت است:

چنان به قاف شهادت نشست‌ام چون عقاب که نیست دسترسی مرگ را به دامانم

(طهماسبی، ۱۳۸۵: ۲۴۰)

از نظر بدوی الجیل نیز شهید با شهادت خود گویی هنوز زنده است و با صلابت و شجاعت سپاهیان خود را رهبری می‌نماید:

لَقَدْ قُدَّتْهَا حَيًّا وَ مَيِّتًا فَمَا تُنَى
شکیمتها عُنْفٌ وَ لَا هَدَّهَا دُعْرٌ

(بدوی الجیل، ۱۹۷۸: ۲۶۴)

«تو سپاهیان را هر لحظه پیشوایی (رهبری) کردی؛ خواه زنده باشی و خواه چشم از جهان فرو بسته باشی! هیچ‌گاه خشونت، زمام آنان را خم نکرد و ترس و خوف، آنان را در هم نکوبید (ویران نکرد)».

ذکر نام شهیدان

توصیف شهیدان در شعر انقلاب از ابعاد گسترده‌ای برخوردار است. گاهی شعر به شهید خاصی اختصاص یافته است و شاعر با ذکر نام شهید و تقدیم شعر خود به او، به بیان ویژگی‌های وی و غم سترگی که با در خون خفتن او بر دل شاعر سنگینی می‌کند، پرداخته است. (خو محمدی خیرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۷۳) سپیده کاشانی شاعر فرهیخته‌ی انقلابی نیز از شخصیت‌های زیادی مانند «دستغیب، اشرفی، صدوقی، رجایی و باهنر، مفتح و...» در شعر خود نام برده و قصایدی را به آنان اختصاص داده است. در ابیات زیر در بزرگداشت مقام «رجایی و باهنر» می‌گوید:

باهم دو پرنده خوش به پرواز شدند
در عرش به عرشیان هم‌آواز شدند

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۹۷)

درویش در قصائد متعددی به کشتگان و شهدای فلسطینی می‌پردازد و از آن‌ها یاد می‌کند و هر کدام از آن‌ها را نماد تمام کشتگان فلسطین می‌داند و بر تمام آن‌ها مرثیه‌سرایی می‌کند. قصیده‌های «احمد الزعتر» (درویش، ۲۰۰۰، ج ۱ و ۲: ۳۰۴)، «عیون الموتی علی الأوب» (همان: ۱۰۴)، «آه... .. عبدالله» (همان: ۱۲۵) نمونه‌هایی هستند که درویش در آن‌ها با نام بردن از شهدای فلسطینی برای تمام کشتگان فلسطین می‌سراید.

ابراهیم طوقان قصیده «الملک حسین» به مناسبت شهادت الشریف حسین در قبرص سرود و چنین بر روان وی درود فرستاد:

رحمة الله علیه أنه
ويح قوم خذلوه بعدما
غاله الياس، و كان الأملأ
أخذوا الميثاقَ آلا يخذلأ

(طوقان، ۲۰۰۵: ۴۹۰)

«رحمت خداوند بر او در آن هنگام که یاس و نومیدی بر او حمله‌ور شد درحالی که امیدوار بود، و وای بر قومی که او را تحقیر کردند درحالی که عهد بستند که دست به چنین عملی نزنند» همچنین وی به مناسبت شهادت سه تن از مجاهدان فلسطینی (فؤاد حجازی، محمد جمجوم و عطا الزیر) در سه‌شنبه تابستان ۱۹۲۹م. قصیده‌ای را سروده و آن را «ثلاثاء الحمراء» یعنی سه‌شنبه‌ی سرخ نامید. (همان: ۲۷۴ و ۲۷۵)

فدوی در مجموعه‌ی شعر (علی قمه‌الدنیا وحیداً- تنها بر بام دنیا) و در شعری که برای شهید «وائل زعیتر» سروده است، تصویری از عظمت فرهنگ والای شهادت را ترسیم نموده است. آنجا که خطاب به شهید می‌گوید:

أسند رأسک الشامخة/ اليوم علی (القبة)^۱/ فالصخرة فی القدس أحتتوک الآن حین/ الموت أعطاک الحیاة/ أنت یا موقظ الدنیا التی/ عفنت قشرا....»

ترجمه‌ی شعر: «سر سربلندت را / بر قبه تکیه بده / صخره قدس در برت می‌گیرد / زیرا مرگ، زندگانیت بخشیده است/ ای بیدارکننده‌ی دنیایی که پوستش را تعفن برداشته است..». (بیدج ، ۱۳۷۵ ، ۸۲-۸۵)

نزارقبنی «فدائی» را جزء شاخصه‌های جریان مقاومت و بیداری معرفی کرده و به تقدیس شهیدانی می‌پردازد که با فدا کردن جان خود، هستی و کیان ملت‌های دربند عرب را حفظ نموده‌اند: «و یطلّ الفداء شمساً علینا / ما عسانا نکون لولا الفداء / من جراح المناضلین ولدنا/ و من الجرح تولد الکبریاء.» (قبنی، ۱۹۸۶، ۴۱۰)

کاربرد نماد

به کارگیری نمادها و رمزها یکی از برجستگی‌های ممتاز شعر معاصر ایران و عرب و خصوصاً شعر مقاومت می‌باشد که به کارگیری نمادها بسته به شرایط سیاسی و اجتماعی به صورت‌های متفاوت به کار می‌روند و مضامینی پربار و مهم را می‌سازند. (معروف و ولی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۵۶۶)

نماد در فضای ذهن یک شاعر متولد می‌شود، به میان مخاطبان می‌رود و از آنجا با رسمیتی که پیدا می‌کند دوباره به شعر بازمی‌گردد و با سیر بسامدی خود در ذهن و زبان دیگر شاعران

۱- القبة (قبة الصخرة): یکی از مهم‌ترین آثار معماری اسلامی بعد از مسجدالاقصی در بیت‌المقدس است. این مسجد تقدس خاصی نزد مسلمانان دارد. همچنین یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های هنر معماری ارزشمند تمدن اسلامی است. لازم به توضیح است متأسفانه بر اساس یک اشتباه تاریخی اغلب مسلمانان تصویر قبة الصخرة را با مسجد الاقصی یکی تصور می‌کنند و تصویر قبة الصخرة را به نام مسجد الاقصی در راهپیمایی‌ها حمل می‌کنند.

کارکرد فرهنگی خود را تثبیت می‌کند. در شعر انقلاب اسلامی نیز، واژگانی چون: لاله، سیاه، گل، ستاره، آفتاب و... ذیل مفاهیم شهادت در نقش نماد ظهور یافتند و جایگاهی ویژه در انتقال مفاهیم انقلابی و آرمانی داشتند. (عمرانی، ۱۳۸۷: ۲)

آنچه در ادبیات مقاومت توجه خواننده را بیشتر به خود جلب می‌کند واژه‌ی «پرپر» است. این واژه بارها به‌عنوان نمادی برای شهیدان به‌کاررفته است. شهیدان گل‌های سرخ وطن‌اند که توسط دشمن متجاوز پرپر شدند و با خون سرخ خود نهال انقلاب را آبیاری کردند. گل پرپر شده می‌بُزرد، ولی از گل پرپر شده‌ی شهیدان طراوت و شادابی بر خاک سرزمین ایران تراوید. (ایران‌زاده و رحیمیان، ۱۳۸۷: ۹۸ و ۹۹) سپیده‌کاشانی نیز، در جای‌جای دیوانش از واژه‌ی گل‌های پرپر برای شهیدان استفاده نموده است: «گلبرگ‌های پرپرشان را / چون بادبان سرخ شگفتی- بر کشتی طلایی اسلام افراشتند/ و زمان، در تار پودشان-چونان/ زیباترین سرود گذر داشت/ و زیستن را / در پیش چشم جوخه مرگ‌آوران مست/ بس باشکوه رژه رفتند (کاشانی، ۱۳۷۳: ۲۴۳)

فرید طهماسبی از نماد لاله برای شهدا کرده است. وی با تکرار آن از یک‌سو حیرت خود را نشان می‌دهد و از سوی دیگر معنا و مضمون را در ذهن خواننده می‌پروراند:

چقدر لاله پری شد چقدر پرپر شد چقدر لاله پری رای من نمی‌دانی

(طهماسبی، ۱۳۸۵: ۴۱)

نازک الملائکه در شعر خویش از واژه‌ی «فدائیین» معادل واژه‌ی شهید استفاده کرده است: «یا قبة الصخرة/ حاشاک ان ترضی هوان الامة الحرة/ سیهبط النصر علی مرتلی القرآن/ علی المصلین و فی صوامع الرهبان/ علی الفدائیین فی اودیة النیران/ غدا هنا ینفجر البرکان (الملائکه، ۲۰۰۸: ۵۰۲)

(ای قبة الصخره چگونه به خواری ملت آزاده‌ات راضی می‌شوی در حالیکه پیروزی نزدیک است، پیروزی برای مسلمانان و مسیحیان و شهیدان در میدان جنگ حاصل خواهد شد و فردا آتش‌فشان منفجر می‌شود).

نازک الملائکه همچنین واژه‌های «کواکب، سنبل، نجم» را به عنوان نماد برای شهدا آورده است:

کواکبنا ثم تاتی السیول/ و تجرف شتلاتنا، و تطول/ یرکع سنبلها، و تتهدج فیها الحقول.
(الملائکه، ۲۰۰۸: ۴۲۵)

(ستارگان نابود گشته و سیل به راه افتاده، کشتزارهای ما نابود شدند، خوشه‌های گندم مزارع ما خم شده‌اند).

فدوی طوقان در شعری با عنوان «شهادای انتفاضه» که آن را در سال ۱۹۸۹ م در دیوان «تموز و الشیء الآخر» (تابستان و چیز دیگر) سرود، مفهوم اسطوره‌ای تابستان که سمبل «عطا و بخشش» است را با خیل افرادی که شهید شدند، مرتبط می‌سازد، چرا که معتقد است شهدا سمبل عطا و بخشش برای این امت هستند.

روحیه شهادت‌طلبی (اشتیاق شهادت)

ارزشمندی شهادت سبب شده است که حسرت نرسیدن به شهادت و اشتیاق واصل شدن به این فیض و مقام به‌عنوان یکی از موضوعات و درون‌مایه‌های اصلی شعر دفاع مقدس نمود پیدا کند و حس شهادت‌طلبی تأثیر زیادی بر اشعار این دوره بگذارد. شهید در سیر و سلوک عرفانی به مقامی رسیده است که رشک‌برانگیز است قزوه در شعرهایش از حسرت و توفیق نیافتن شهادت می‌گوید، جا ماندن از شهدا و ماندن در دنیایی که جز بی‌چارگی و شرمساری حاصلی نداشت و همواره در این امید است که روزی به آرزوی دیرینه‌اش برسد:

به هر کس قسمتی دادی خدایا / شهادت قسمت ما می‌شد ای کاش

(طهماسبی، ۱۳۸۵: ۲۷)

سپیده کاشانی نیز می‌سراید:

مسلمانم و آرمانم شهادت / تجلی هستی ست جان کندن من

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۴)

فرید طهماسبی نیز در صورت بازماندن از کاروان شهدا خود را این‌گونه شرمسار می‌پندارد:

فرید سوی تو می‌آید ای نهایت سرخ / از این سفر نکند شرمسار برگردد؟

(طهماسبی، ۱۳۸۵: ۱۸۷)

سلمان نیز همانند دیگر شاعران انقلاب و دفاع مقدس، آرزوی شهادت در راه حق را در دلش می‌پروراند و گاهی آن را در اشعارش انعکاس می‌دهد. سلمان در غزل «آرزو» آشکارا تمنای قلبی خویش را که همانا شهادت است، این‌گونه مطرح می‌نماید:

کاش می‌شد که پریشان تو باشم / یا نباشم یا از آن تو باشم / تو چنان ابر طربناکی بباری / من همه تشنه‌ی باران تو باشم / در افق‌های تماشای نگاهت / سبزی باغ و بهاران تو باشم / تا

در آبی و گلی بگزینی / من همان غنچه‌ی خندان تو باشم / چون که فردا شد و خورشید کدر شد / من هم از جمله شهیدان تو باشم / تا نفس هست و قفس هست، الهی / من شوریده غزل خوان تو باشم. (هراتی، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۶).

ابراهیم طوقان در قصیده «الشهید» در خصوص اشتیاقش به شهادت می‌گوید:

بطلی اشد علی لقاء الموت من صم الصخور

جدلان یرتقب الردی فأعجب لموت فی سرور

یلقی الاله (مخضّب الکفین) فی یوم النشور (طوقان، ۲۰۰۵: ۲۸۴)

«شهید بر دیدار مرگ بسیار مشتاق است که مرگ را با شادی می‌پذیرد، که در روز محشر با دستانی حنایی (تازه دامادی که دستانش را حنا زده‌اند) و مفتخرانه با پروردگارش ملاقات می‌کند»

بارور شدن ثمره شهادت

سپیده کاشانی به خون پاک شهید سوگند یاد می‌کند که انتقام آنان را از دشمن پلید خواهد گرفت و انتقام آنان را در ریختن خون دشمن عصیانگر و هلاکت آنان می‌داند:

مسلسل با مسلسل شد برابر به خون شوییم خونت ای برادر

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶)

نازک الملائکه در قصیده‌ی «سبت التحریر» در پی انتقام خون شهیدان سرزمینش می‌باشد و خشم خود را مانند گدازه‌های آتشی می‌داند که مایه‌ی نابودی و هلاکت دشمن می‌گردد: «دمن المسکوب فی غزه قد اصبح اعلی / طعمه فی فمنا قد صار احلی / صوته اصبح اعلی / فتلقوا اننا الیوم صواریح غضب / و متاریس اللهب (الملائکه، ۲۰۰۸: ۵۰۷)

(خون ریخته شده‌ی ما در غزه گران‌بها شده که طعمش شیرین و صدایش بالا رفته تا جائیکه پنداشتید امروز ما در برابر دشمن موشک‌های خشم و غضب و گدازه‌های آتسیم).

فدوی طوقان در شعری «مرثیه‌ی قهرمان» شاعر به دلاوری‌ها و شهادت مبارزان جان‌برکف و فدائیان شهادت‌طلب وطن اشاره داشته و معتقد است اگرچه آنان جان خود را در مبارزه حق علیه باطل فدا کرده‌اند، اما سرانجام پیروزی با آنان است و روزی خواهد آمد که شاهد ثمر دادن درخت شهادت هستیم: «فی احتدام الدم والنار وطغیان الجنون / بسط الفادی، نبیّ الحبّ، کفیه علینا/ وافتدانا/ آه ما اعلی الفداء! / واشترانا / آه ... ما اعلی الفداء! / واشترانا / آه ما اعلی الثمن! / وعلی وخر مسامیر الألم / وعلی حزّ سکاکن العیاء/ أسند الرأس وأرخی / هذب جفنیه ونام/ وبعینیه رؤی الحب وأحلام السلام.» (طوقان، ۱۹۷۸، ۷۹)

«در گرماگرم خون و آتش و طغیان جنون/ نجات‌دهنده، پیامبر عشق، دستانش را به سوی ما دراز کرد/ آه.. ایثار چه ارزشی دارد!! ما خواهان آن هستیم / آه.. چقدر ایثار ارزشمند است!! و چقدر ارزشمند!! و بر روی نیش میخ‌های درد/ و روی تیزی چاقوی‌های درمانده/ سرش را تکیه داد و دامن کشید/ مژه بر هم نهاد و خوابید/ و با چشم‌هایش خواب عشق را دید و رویای صلح را.»

المتوکل طه، مقوله‌ی ایثار و شهادت را با میراث و باورهای تاریخی و دینی خود پیوند می‌زند و چهره‌ی سرزمینی را به تصویر می‌کشد که خداوند قصد دارد به خاطر ریخته شدن خون شهیدان بی‌گناهش، با فرستادن پرندگان از آن حاکمان خون‌ریز و مستبد انتقام بگیرد:

«و قال الربّ حین رأى الدماء تسيل/ یا جبریل/ لا تهبط إلى الأرض التي قتلوا الخلیل بها /فسوف أحیلها عصفاً/وأطرها بطیر تحمل الأحجار من سجیل.» (طه، ۱۹۸۹، ۱۲۶)

آنگاه که پروردگار خون‌های جاری را دید/ فریاد زد ای جبرئیل/ بر زمینی پا نگذار که الخلیل را در آن کشتند/ من توفانی بر آنان نازل خواهم کرد/ و با پرندگانی که «سجیل» سنگ و گل با خود حمل می‌کنند/ بر آن‌ها خواهم بارید.

نزار قبانی نیز به مسأله شهید و تداوم راهشان تأکید دارد. وی معتقد است مستبدان با کشتن مبارزان گمان می‌کنند می‌توانند جریان مبارزه را متوقف کنند، اما نمی‌دانند هر شهیدی که بر زمین می‌افتد از خاکش عطر شهادت در سرزمینش می‌پیچد و جوانان مبارز و آزادی‌خواه دیگری را به سوی خودش فرامی‌خواند. او خطاب به مستبدان خون‌ریز می‌گوید: «لا تسکروا بالنصر... إذا قتلتمُ خالداً.. فسوف يأتي عمرؤ / وإن سحقتُم وردةً.. /فسوف يبقي العطر» (قبانی، ۱۹۸۶، ۱۶۷)

سرمرست پیروزی نشوید... /اگر خالد را کشتید بدانید که عمرو خواهد آمد/ و اگر گل را له کردید/ بدانید عطرش باقی خواهد ماند.

نتیجه‌گیری

شهادت از برترین واژه‌های فرهنگ اسلامی و اوج کمال انسان است، آن‌گاه که شهید تمام هستی خویش یعنی جانش را نثار معشوق بی‌همتای خویش می‌کند. شهید شجاعانه و آگاهانه به خاطر هدفی مقدس، جانش را در کف دستان خویش می‌گذارد و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» امانت الهی را به صاحبش برمی‌گرداند.

شاعران بسیاری در ادبیات مقاومت در سروده‌های خویش از شهید، شهادت‌طلبی، عشق شهید به معبود بی‌همتا و شجاعت شهید سخن رانده‌اند.

شاعران معاصر ایران و عرب به ستایش مقام شهیدان به‌عنوان کسانی که در راه اعتقادات خویش به جهاد برخاسته‌اند و در این راه به خون خود غلتیده‌اند، روی آوردند. آن‌ها به روحیه‌ی

شهادت‌طلبی در میان مردم خویش ایمان دارند و بر این باورند که با کشته شدن رزمنده‌ای در میدان نبرد، رزمندگان دیگر جایگزین او می‌شوند.

در اشعار شاعران معاصر ایران و عرب، انتقام خون شهید امری حتمی است و خون شهید مایه‌ی حیات هم‌وطنان و هلاکت دشمنان است. آن‌ها در اشعار خود تصویری مقدس از شهید ترسیم می‌کنند. آنان شهدا راه مقاومت و پایداری را فرزندان راستین سرزمین خود می‌پندارند که با مرگ خود بقای سرزمینشان را تضمین کرده‌اند.

شاعران معاصر ایران و عرب، جنگ موجود در کشورشان را ادامه‌ی قیام عاشورا در نظر گرفته و از نمادهای مختلفی برای توصیف شهیدان بهره برده‌اند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم (۱۳۷۳)
- آیین‌ه‌وند، صادق (۱۳۷۲) **تاریخ پیامبر اسلام**، تهران، موسسه اطلاعات
- ابراهیمی، نبی‌الله، «**جایگاه مفهوم شهادت در داستان‌های جنگ**»، مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان (۱۳۸۷)
- ابن منظور ابی‌الفضل جمال‌الدین، (۱۴۰۵)، **لسان العرب**، قم: نشر ادب الحوزه
- احمدی، فریبا، «**عوامل و موانع رشد و توسعه ارزش‌های منبعث از فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه**»، مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان (۱۳۸۷)
- امین پور، قیصر (۱۳۹۰) **مجموعه کامل اشعار، چاپ هشتم**، تهران: انتشارات مروارید
- ایران زاده، نعمت‌الله و افسانه رحیمیان، (۱۳۸۷) «**بن‌مایه‌های شهید و شهادت در شعر سید حسن حسینی**»، فصلنامه‌ی خط اول، سال دوم، ش ۷، صص ۸۵-۱۰۴،
- بیدج، موسی، (۱۳۷۵) **مقاومت و پایداری در شعر عرب**، از آغاز تا امروز، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
- حافظی، علی‌رضا (۱۳۷۰) **معنی ادبیات**، چاپ اول تهران، انتشارات نیلوفر
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق) **وسایل الشیعه**، قم: موسسه‌ی آل‌البیت علیه‌السلام.
- خو محمدی خیرآبادی، سعید، «**جلوه‌هایی از فرهنگ ایثار و شهادت در شعر انقلاب اسلامی**»، نامه‌ی پایداری (مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری، کرمان ۱۳۸۴) به کوشش احمد امیری خراسانی، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس (۱۳۸۷)
- درویش، محمود، (۲۰۰۰)، **دیوان محمود درویش**، دار الحریه للطباعه و النشر، بغداد.
- سبزواری، حمید، (۱۳۶۷)، **دیوان سرود درد**، ج ۱. تهران: کیهان. چاپ اول.
- (۱۳۶۸)، **دیوان سرود سپیده**، ج ۲. تهران: کیهان. چاپ اول.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۶) **نهج‌البلاغه**، مترجم: محمد دشتی، چاپ سوم، انتشارات پیام عدالت، طوقان، فدوی (۱۹۷۸) **دیوان فدوی طوقان**، بیروت، دار‌العودة.

- طوقان ابراهیم؛ (۲۰۰۵)، *الاعمال الشعرية الكاملة*، بیروت، دار العودة.
- طه، المتوکل (۱۹۸۹) *فضاء الأغنیاء*، دار الکاتب، القدس، ط ۱.
- طهماسبی، قادر (۱۳۸۵)، *پری ستاره‌ها* (مجموعه غزل)، تهران: سوره مهر.
- قبنی، نزار (۱۹۸۶) *الاعمال السیاسیه الكامله*، بیروت: منشورات نزار قبنی قزوه، علیرضا (۱۳۸۸). *از نخلستان تا خیابان*، تهران، سوره مهر.
- کاشانی، سپیده، (۱۳۷۳) *سخن آشنا، مجموعه‌ی اشعار*، تهران: شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق) *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ و مقاله شهید*، تهران: انتشارات صدرا.
- معروف، یحیی و آمنه ولی پور، «بن‌مایه‌های همگون مقاومت در شعر محمود درویش و سلمان هراتی»، مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات تطبیقی فارسی-عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه (۱۳۹۱) ج ۲
- الملائکه، نازک، (۲۰۰۸) *الاعمال الشعرية الكاملة*، بیروت، دارالعودة.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: علوی زهرا، عشقی سردهی علی، امیر احمدی ابوالقاسم، بررسی تطبیقی مضامین مشترک در موضوع شهید و شهادت در اشعار پایداری معاصر فارسی و عرب، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۶۷، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۴۸۷-۴۷۰.